

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جامعه چند زمانی

قدر وقت ارزشناست و کاری نکند
بس خجالت که از این حاصل ایام بریم

میان همگان تقسیم شده اما قابل ذخیره سازی نبوده
و تجدیدناپذیر است.

کوش تا جامعه فرصت نداری

درزی دهر نه آگه زرفوست

نقش این منبع نادر پرارزش در مراحل مختلف مدیریت کاملاً مشهود است. مدیریت را می توان فرایند تبدیل اطلاعات به تصمیم و عمل در راستای اهداف سازمانی تعریف کرد. هر اندازه اطلاعات بیشتر و دقیق تر باشد و به موقع پردازش شود و در فرایند مدیریتی به تصمیم و عمل منجر گردد، مسلماً نتایج مطلوب تری به دست خواهد آمد.

تافلر به درستی معتقد است که در عصر حاضر با کمبود اطلاعات مواجه نیستیم بلکه فزونی اطلاعات موجب می شود که وقت لازم را برای پردازش آن نداشته باشیم. این عدم پردازش به هنگام موجب می شود که ارزش و تأثیر اطلاعات در مراحل مختلف از برنامه ریزی و سازماندهی تا کنترل، کم رنگ شود. متأسفانه توجه به ارزش زمان و به هنگام بودن در کشورهای جنوب مغفول مانده است.

یکی از استادان به عنوان "متخصص" در جلسه ای هفتگی شرکت می کرد. او سعی داشت سر وقت در محل حاضر باشد، ولی طبق معمول! جلسه با نیم ساعت تأخیر آغاز می شد. روزی از آبدارچی (که معمولاً از وقت شناس ترین ها هستند) پرسیده بود که چرا جلسات با تأخیر شروع می شود، فرموده بودند: لابد حضرت عالی بیکارید که سرموقع می آید، آنها همه کار دارند!

گاه می بینیم که تأخیر برای بعضی افراد حالت پرستیژ! پیدا کرده است. در جامعه ما تأخیر در شروع، تحویل و اتمام کارها و طرح ها امری بدیهی و مسلم انگاشته می شود و گویا جزء فرهنگ ماست و تخلف از آن غیر طبیعی جلوه می کند. به قول ظریفی ما ملتی هستیم با ۲۵۰۰ سال فرهنگ و تمدن و نیم ساعت تأخیر!

این در حالی ست که با پیدایش فناوری های نوین ارزش زمان بیش از هر زمان دیگر آشکار شده است. در اندیشه بسیاری از نام آوران حوزه مدیریت چون پیتر دراگر زمان کمیاب ترین منبعی ست که مدیران در اختیار دارند و البته باید اضافه کرد با آنکه این منبع به رایگان به طور مساوی

اصولاً جوامع را از نظر شیوه نگاه آنان به وقت و زمان می‌توان به دو نوع تقسیم کرد:

۱. جوامعی که رویکرد تک‌زمانی^۱ دارند. در این جوامع زمان، زمانبندی و مدیریت می‌شود. باید کارها در زمان تعیین شده پایان یابد و نتایج تحویل شود. عدم رعایت زمان دقیق ضدا ارزش به شمار می‌رود و در ارزشیابی‌ها عاملی بسیار منفی تلقی می‌شود. این رعایت زمان از حضور در رأس ساعت مقرر در یک جلسه تا تحویل نهایی یک طرح را در بر می‌گیرد.

۲. جوامعی که رویکرد چند زمانی^۲ دارند. همان‌گونه که در ابتدا گفته شد در این جوامع، این نوع رعایت‌ها ارزش چندانی ندارد، برعکس جوامع تک‌زمانی. متأسفانه تعارفات و تعاملات فردی جایگزین بهره‌گیری بهینه از زمان می‌شود و خسارات بسیار زیادی از این طریق به این جوامع وارد می‌شود.

فرهنگ‌های اروپایی و امریکای شمالی بیشتر متمایل به رویکرد تک‌زمانی هستند و متأسفانه فرهنگ خاورمیانه و امریکای لاتین بیشتر به رویکرد چند زمانی گرایش دارند.

در این جوامع که ما هم از آنانیم به قول حافظ راهزنان بسیاری در کمین زمان نشسته‌اند:

به مأمنی رو و فرصت شمر غنیمت وقت

که در کمینگه عمرند قاطعان طریق

نبود برنامه‌ریزی علمی، شتابزدگی، عدم قاطعیت، پذیرفتن کار بیش از ظرفیت، نداشتن هنر "نه گفتن"، عدم تفویض اختیار، شرکت در جلسات طولانی و غیرضروری، در نظر نگرفتن الویت در کارها، انجام کارهای پیش پا افتاده، تعارفات بیش از حد، غلبه روابط بر ضوابط و نظایر آنها، نمونه‌هایی از رهنمائی ست که مدیران و مدیریت را در جامعه دچار مشکل و بحران کرده است.

تبدیل رویکرد چندزمانی به تک‌زمانی و فرار از خسارت‌های جبران‌ناپذیر آن، تلاشی منسجم و همه‌جانبه را در سطح کلان و خرد جامعه طلب می‌کند. این باور را باید همگانی کرد که تنها راه موفقیت تسلط بر زمان است و کلید طلایی زمان، رمز موفقیت است. ساختن فرهنگ توجه به زمان و ارزش آن از مدارس آغاز می‌شود و در

سازمان‌ها و نهادها تجلی عینی و عملی می‌یابد. داشتن دانش و تخصص مدیریت زمان از لوازم حتمی کار است. در این دهه بسیاری از جوامع سعی دارند با استفاده از فناوری‌های نوین، خیزش سرنوشت‌سازی را به سوی توسعه پایدار به انجام رسانند. هر گونه تغافل و کوتاهی موجب خسران خواهد بود.

وقت را فرصت شمر زیرا که هنگام صبح

مست چون در خواب باشد، می به هشیاران دهند

فریبرز خسروی